



فصلنامه مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام - سال دوم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۹

تأثیر ظهور داعش بر وضعیت اقتصادی کشورهای منطقه لوانت

مطالعه موردی اسرائیل

مهدی محمدیان،

دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نجف آباد، ایران

حجت مهکویی^۱،

استادیار گروه جغرافیای سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نجف آباد، ایران

سارا فلاحی،

استادیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ایلام، ایلام، ایران

یوسف زین العابدین عموقین

دانشیار گروه جغرافیای سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رشت، رشت، ایران

تاریخ دریافت: ۹۹/۵/۲۸ تاریخ پذیرش: ۹۹/۷/۱۳

ص ۱۶۰ - ۱۳۱


چکیده

یکی از مسائلی که در جهان کنونی می‌تواند معادلات اقتصادی را برای یک طرف/طرف‌ها نسبت به طرف/طرف‌های دیگر، سنگین‌تر کند، تشکیل گروه‌های تروریستی و اقدامات تروریستی است. دولت‌هایی که تحولات اقتصادی را به شدت دنبال می‌کنند و خواستار تغییرات شگرف اقتصادی درون کشورشان هستند با شناسایی مناطق ژئوپلیتیکی زمین، راهکار را در راهبرد شکل‌گیری تروریسم در این مناطق می‌بینند. در منطقه ژئوپلیتیکی خاورمیانه، گروه تروریستی داعش که به‌عنوان قدرتمندترین گروه تروریستی سازمان‌یافته شکل گرفت، معادلات سیاسی و اقتصادی چندی را برای منطقه و نظام جهانی رقم زد. ظهور این گروه تروریستی سازمان‌یافته بر وضعیت اقتصادی کشورهای منطقه لوانت تأثیرات



متفاوتی گذاشت. هدف اصلی ما در این مقاله بررسی تأثیر ظهور داعش بر وضعیت اقتصادی اسرائیل به‌عنوان یکی از کشورهای منطقه لوانت است. این پرسش اصلی مطرح است که ظهور داعش بر وضعیت اقتصادی اسرائیل به‌عنوان یکی از کشورهای منطقه لوانت چه تأثیری داشته است؟ بنابراین با روش پژوهشی توصیفی تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و وبگاه‌های اینترنتی و با بهره‌گرفتن از نظریه بازی‌ها با تأکید بر چانه‌زنی به‌دنبال بررسی این هدف هستیم. البته وضعیت اقتصادی اسرائیل با تأکید بر حوضه انرژی فسیلی تحلیل شده است. نتایج یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، آن‌گونه که اقتصاد دیگر کشورهای حوضه لوانت از ظهور داعش متأثر و تضعیف شده‌اند، اقتصاد اسرائیل تضعیف نشده است.

کلیدواژه‌ها: اسرائیل، اقتصاد، انرژی، داعش، کشورهای لوانت.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



۱. مقدمه

در منطقه ژئوپلیتیکی خاورمیانه، گروه تروریستی داعش یا دولت اسلامی عراق و شام^۱ که به‌عنوان قدرتمندترین گروه سازمان‌یافته تروریستی شکل گرفت، معادلات سیاسی و اقتصادی چندی را برای منطقه و نظام جهانی رقم زد. بحران داعش در میان همه کشورهای منطقه ژئوپلیتیکی خاورمیانه، آثار جدی مثبت و منفی به همراه داشته است. در روابط بین‌الملل نیز، بیشتر یا شاید بتوان گفت همه حکومت‌ها بعد از شکل‌گیری داعش و بحران‌های تروریستی و ناشی از آن در منطقه، در چارچوب دسته‌بندی کشورها، از این بحران در راستای افزایش قدرت و اعتبار ملی خود استفاده کردند (Sanani and Kaviyanpour, 2016: 163). همان‌گونه که شاهد بودیم از سال ۲۰۱۴ با ظهور گروه تروریستی داعش و اقدامات وحشتناک جنگی آن‌ها در کشورهای عراق و سوریه به‌طور اخص و در دیگر کشورهای منطقه با بمب‌گذاری‌هایی، سبب بی‌نظمی و چالش‌های امنیتی و به‌تبع این اقدامات، هزینه‌های اقتصادی و سیاسی زیادی را برای این کشورها ایجاد کرد و سبب شد کشورهایی مانند ایران برای مقابله و مبارزه با آن و دیگر کشورها برای تقویت آن، بخشی از درآمدهای ملی خودشان را هزینه کنند. اما شایان توجه اینکه اقدامات داعش در اسرائیل در حالی که در همسایگی سوریه قرار دارد، وضعیت نابهنجار و ضررهایی برای این کشور در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی به همراه نیاورد. شایان توجه اینکه حملات تروریستی داعش در خاک کشورهای اروپای غربی انجام می‌شد، ولی چگونه می‌تواند در اسرائیل که در مجاورت و پیوستگی سرزمینی با داعش قرار دارد، چالش‌هایی حداقل به شکل بمب‌گذاری‌ها انجام نشود. بی‌تردید پرسش اصلی مطرح‌شده این است

۱- . Islamic State of Iraq and Syria (ISIS)



که ظهور داعش بر وضعیت اقتصادی اسرائیل به‌عنوان یکی از کشورهای منطقه لوانت چه تأثیری داشته است؟ در پاسخ به این پرسش، این انگاره بیان می‌شود است که ظهور داعش بر وضعیت اقتصادی اسرائیل برخلاف دیگر کشورهای حوضه لوانت چالش‌های جدی به وجود نیاورد.

۲. روش پژوهش

این مقاله با روش توصیفی تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و وبگاه‌های اینترنتی و با بهره‌گیری از نظریه بازی‌ها (چانه‌زنی) انجام شده است. به دلیل آنکه در مقاله بر انرژی‌های فسیلی و نقش آن در اقتصاد اسرائیل تأکید شده است، رویکرد چانه‌زنی در نظریه بازی‌ها انتخاب شده است. چانه‌زنی رویکردی است که می‌تواند ماهیت چند بعدی تبادلات مرتبط با انرژی را در چارچوب اقتصاد و سیاست را نیز با در نظر گرفتن ملاحظات تصمیم‌گیری‌های راهبردی و ژئوپلیتیکی تبیین کند. از آنجا که انرژی برای اقتصاد و در نتیجه برای دولت‌ها و حتی شاید به‌طور کلی برای اقتصاد سیاسی جهان اهمیت حیاتی دارد، بخشی از منافع ویژه چانه‌زنی سیاسی را نشان می‌دهد.

۳. چارچوب نظری: نظریه بازی‌ها با تأکید بر چانه‌زنی

برای تحلیل موضوع مقاله، نظریه بازی‌ها با تأکید بر چانه‌زنی به‌عنوان نظریه‌ای که بتواند اقدامات بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی را در رابطه با تروریسم و به‌طور خاص داعش در منطقه ژئوپلیتیکی خاورمیانه بررسی کند، به کار گرفته شده است. نظریه بازی‌ها، در ارتباط با رفتار عقلانی دو یا چند نفر در شرایطی که منافع آن‌ها، دست‌کم تا اندازه‌ای در تعارض قرار دارند، رهیافت کلی ارائه می‌دهد. در این نظریه، تعادل به‌گونه‌ای است که آن‌ها را با عنوان کم‌وبیش یا کمترین بیشینه مطرح می‌کنند. به این معنی که هر بازیگر تلاش می‌کند که شکست خود را به حداقل برساند. عصاره



نظریه بازی‌ها، انسان را موجودی عقلانی معرفی می‌کند. بی‌تردید رفتاری حساب‌شده از انسان بروز می‌کند. آنچه به‌عنوان رفتار عقلانی در این نظریه مدنظر است به حداکثر رساندن دستاوردها است. در این نظریه، روش‌هایی مطالعه می‌شود که در آن‌ها تعاملات راهبردی در میان کارگزاران اقتصادی، نتایجی درباره برتری (یا بهره‌برداری) از این کارگزاران، آنجا که نتایج مورد بحث احتمالاً مدنظر هیچ یک از کارگزاران نیست، را رقم می‌زند. بنابر نظر مورو^۱ (۱۹۹۴)، نظریه بازی‌ها، شیوه‌ای را شکل می‌دهد که به ساختارهای اجتماعی رسمیت می‌بخشد و آثار این ساختارها را بر روی تصمیم‌گیری‌های فردی کنکاش می‌کند. ساختار بازی را وقتی می‌توان تعریف کرد که بتوان انتخاب‌های پیش‌روی تصمیم‌گیرندگان را معلوم کرد. این مسئله در اینکه چگونه انتخاب‌های مختلف به نتیجه می‌رسند و چگونه بازیگران این نتایج را ارزیابی می‌کنند، کمک‌کننده خواهد بود. هر چند مورو توضیح می‌دهد که این نظریه، نمی‌تواند ما را آگاه سازد که آیا نظریه‌های یقینی، توصیف دقیقی از جهان هستند، اما توانایی این را دارد که به ما بگوید که بازخورد این نظریه‌ها، چگونه رفتارهایی را به‌عنوان نتایج برای ما به همراه دارد (Kuhn, 2017: 22-37; Basiri and et al., 2016: 53-54).

استفاده از نظریه بازی‌ها و مدل‌های رسمی بیشتر مربوط به اقتصاد است. اما بخش درخور توجهی از پژوهش‌های علوم سیاسی نیز از این روش‌ها استفاده می‌کند. نظریه بازی‌ها اساساً رویکردی برای درک تصمیم‌گیری جمعی است (Nelson, 2017). نظریه بازی‌ها، تجزیه و تحلیل ریاضی تعامل راهبردی است. در پنجاه سال از ظهور نظریه کلاسیک بازی‌ها و رفتار اقتصادی فون نویمان و

۱- James D. Morrow



مورگنسترن،^۱ نظریه بازی‌ها به‌طور گسترده‌ای برای مشکلات اقتصادی استفاده شده است. با این حال، تا همین اواخر، سودمندی آن در علوم سیاسی، تا حدی به دلیل دشواری فنی روش‌های توسعه‌یافته توسط اقتصاددانان مورد ارزیابی قرار نگرفته است. جیمز مورو در کتابش،^۲ اولین کسی است که متنی استاندارد ارائه می‌دهد که نظریه بازی معاصر را با تجزیه و تحلیل سیاسی تطبیق می‌دهد. این کتاب به نظریه بازی‌های غیرهمکارانه و کاربرد آن در روابط بین‌الملل، اقتصاد سیاسی و سیاست‌های مقایسه‌ای آمریکایی می‌پردازد (Morrow, 1994). در نظریه بازی‌ها این فرضیه‌های چهارگانه مطرح می‌شود:

۱. دولت‌ها بازیگر اصلی هستند؛
۲. دولت‌ها عقلایی‌اند؛
۳. هر دولت تعدادی گزینه برای انتخاب دارد و منافع و زیان‌هایی را متحمل می‌شود؛
۴. هر بازیگر ممکن است که اطلاعاتی کامل یا ناقص از بازی داشته باشد (Basiri and et al., 2016: 53-54). البته بیشتر نگرانی‌ها بر فرضیه‌های این نظریه، مربوط به جهان است. نگرانی‌هایی مانند: ۱. آیا افراد منطقی و باهوش هستند؟ ۲. چگونه می‌توانیم «بازپرداخت» را به روشی معنی‌دار اندازه‌گیری کنیم؟ ۳. آیا فرم راهبردی یا شکل گسترده واقعاً بیانگر چگونگی تصمیم‌گیری است؟ ۴. بیشتر مدل‌های نظری بازی تعداد بازیکنان را به ۲ یا ۳ محدود می‌کنند. با افزایش تعداد بازیگران، تصمیم‌گیری چگونه تغییر می‌کند؟ (Nelson, 2017).

به هر روی، «مجموعه ابزارهای نظریه بازی‌ها، برای به‌دست‌آوردن ملاحظات اقتصادی که مؤسسات یا شرکت‌های چندملیتی و شرکت‌های انرژی و تصمیم‌گیری‌های راهبردی آن‌ها در خصوص دستیابی به راه‌های دسترسی به بازار، حفظ سهام بازار و ساختن ظرفیت‌های صادراتی به‌ویژه در مورد

۱- . Von Neumann & Morgenstern

۲- . Game Theory for Political Scientists



خطوط لوله به کار می‌برند، مورد استفاده قرار می‌گیرند. این نظریه، ابزاری است که به شکل ایدئال برای تحلیل تصمیم‌گیری‌های راهبردی و پیچیده در موقعیت چانه‌زنی مناسب است. به‌طور نظام‌مند با در نظر گرفتن هر چیز شناخته‌شده در موقعیت چانه‌زنی مورد توافق در شرایط تردید، این نظریه تلاش می‌کند تا محاسبه‌ی جامعی از آنچه هر کنشگر در موقعیت توافق‌شده، در شرایط تردید می‌شناسد و معتقد است انجام دهد. در گام بعدی، رفتار بازیگران، عملکرد رقا در موقعیت مذاکره را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از آنجا که فرایند چانه‌زنی، موضوع مهمی در نظریه‌ی بازی‌ها است، پژوهش‌های نظری چشمگیری در مورد راهبرد چانه‌زنی با استفاده از این نظریه انجام شده است. در واقع فرض می‌شود که بازیگر، طیفی از گزینه‌های جایگزین را انتخاب خواهد کرد که بالاترین بازده را به دست می‌دهند؛ یعنی راهبردی مسلط را دنبال می‌کند. بی‌تردید رویکردی که بتواند ماهیت چند بعدی تبادلات مرتبط با انرژی را در چارچوب اقتصاد و سیاست را نیز با در نظر گرفتن ملاحظات تصمیم‌گیری‌های راهبردی و ژئوپلیتیکی تبیین کند، چانه‌زنی است. نظریه‌ی چانه‌زنی نظریه‌ی بازی‌ها، فصل مشترک همکاری و تقابل در حوزه‌های روابط بین‌الملل است. آنچه که تبادلات سیاسی و اقتصادی را شکل می‌دهد، چانه‌زنی است. مطالعه‌ی چانه‌زنی در میان بازیگران اصلی در گیر در این مبادله برای فهم توازن قدرت در درون رابطه‌ی شرکت‌ها، دولت و بازار ضروری است. از آنجا که انرژی برای اقتصاد و در نتیجه برای دولت‌ها و حتی شاید به‌طور کلی برای اقتصاد سیاسی جهان اهمیت حیاتی دارد، بخشی از منافع ویژه‌ی چانه‌زنی سیاسی را نشان می‌دهد» (Kuhn, 2017 : 36-41).

اشاره به این نکته نیز ضروری است که در حال حاضر، کشورهای توسعه‌گرا به دنبال طراحی و اجرای گونه‌ای از سیاست خارجی هستند که خروجی آن،



گشایش و توسعه اقتصادی داخل کشورشان را به همراه داشته باشد. مسئولان و دیپلمات‌های سیاست خارجی این کشورها، برای ایجاد بازارهای جدید تولیداتشان، از همه ظرفیت‌ها و توانایی‌های سیاسی و دیپلماتیک به صورت مناسب و کاربردی استفاده می‌کنند و آن‌ها را سرلوحه اقدامات خود قرار می‌دهند (Omidi and Ghalamkari, 2019: 522). البته باید در روابط میان کشورها این موضوع ژئوپلیتیک را مدنظر قرار داد که ژئوپلیتیک این‌گونه تعلیم می‌دهد که یکی از بنیادی‌ترین ابعاد حیاتی زندگی بشر، روابط میان ملت‌ها است. بنابراین همیشه و در همه مکان‌ها، سایه جنگ گسترده است. به علاوه وضعیت جغرافیایی سرزمینی هر ملتی، در شکل‌گیری شخصیت آن ملت تأثیرگذار و تعیین کننده است. همچنین اوضاع جغرافیایی در روابط میان ملت‌ها، نیز تعیین کننده است (Fridman, 2012 : 15).

۴. لوانت و منابع فسیلی اسرائیل

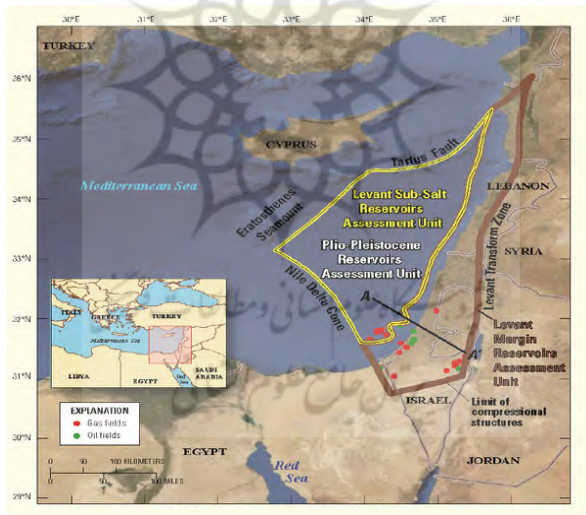
لوانت^۱ منطقه جغرافیایی وسیعی را نشان می‌دهد که در دریای مدیترانه شرقی واقع شده است. منطقه‌ای که به آن لوانت گفته می‌شود، مرزهای مشخصی ندارد و با گذشت زمان تغییر کرده است. کشورهای که لوانت را تشکیل می‌دهند ویژگی‌های زبانی، فرهنگی و مذهبی مشابه دارند. این کشورها شامل عراق، سوریه، لبنان، قبرس، ترکیه (استان هاتای)، اسرائیل، اردن و تشکیلات خودگردان فلسطین هستند. تعریف وسیع‌تری از لوانت، تقریباً به سرزمینی از یونان تا مصر اشاره دارد. تاریخ باستان شام (لوانت)، شامل آنچه امپراتوری آکدی، پادشاهی آموری، پادشاهی هیتی، آشوریان، پارسیان، یونانیان، سلوکیان، بیزانس‌ها و اعراب اشغال کرده بود، نیز می‌شود. اصطلاح لوانت را برای نخستین بار فرانسوی‌ها استفاده کردند. این اصطلاح، اولین بار در

۱- Levant



اواخر قرن پانزدهم (۱۴۹۷) در زبان انگلیسی برای توصیف فرمان فرانسه در سوریه ظاهر شد. اصطلاح لوانت را ایتالیایی‌ها نیز هنگام اشاره به تجارت دریایی در شرق مدیترانه استفاده کردند. سرانجام لوانت به ملت‌های مسلمان مصر و سوریه و فلسطین ارجاع داده می‌شد. همچنین انگلیس شرکت لوانت را برای تجارت با امپراتوری عثمانی در سال ۱۵۸۱ تأسیس کرد. فرانسوی‌ها با تأسیس شرکت لوانت در سال ۱۶۷۰ نیز از آن‌ها پیروی کردند. در حال حاضر، جمعیت لوانت ۴۴،۵۵۰،۹۲۶ نفر تخمین زده می‌شود که بیشتر آن‌ها عرب و همچنین یهودی، کرد، ارمنی، ترکمن و آشوری هستند (نقشه ۱ را ببینید) (Chepkemoi, 2018).

نقشه ۱: موقعیت جغرافیایی حوضه لوانت



source: <https://images.search.yahoo.com/search/images>



در رابطه با اهمیت ژئواکونومیک حوضه لوانت باید بر ذخایر نفت و گاز این منطقه تأکید کرد. «حوضه رسوبی لوانت از انتهای حوضه رسوبی دلتای نیل در امتداد مرزهای مصر و اسرائیل در صحرای سینا شروع می‌شود و تا نزدیکی مرزهای آبی ترکیه امتداد می‌یابد. حوضه رسوبی دلتای نیل نیز ذخائر گاز طبیعی دارد که کشور مصر بهره‌برداری می‌کند. انتشار گزارش مرکز مطالعات زمین‌شناسی آمریکا در کنار نتایج اکتشافات جدید گازی در این منطقه، چشم‌انداز انرژی مدیترانه شرقی را کاملاً متحول کرده و بر چشم‌انداز جهانی انرژی نیز تأثیر گذاشته است. توسعه این ذخائر می‌تواند رژیم اشغالگر را از نظر انرژی خودکفا و وضعیت اقتصادی آنها را متحول کند و منابعی که پیشتر به این کشورها صادر می‌شد را به بازارهای دیگر منتقل کند. به دنبال کشف این ذخائر این کشور صادرات گاز را نیز در برنامه خود قرار داده است. از ۱۱ میدان گازی که تاکنون در حوضه رسوبی لوانت کشف شده است، ۹ میدان آن و بزرگ‌ترین آن به نام میدان لویاتان، در محدوده آب‌های اسرائیل قرار دارد. تاکنون بیش از ۳۵ تریلیون فوت مکعب گاز طبیعی در این حوضه رسوبی کشف شده است. اما گزارش مرکز مطالعات زمین‌شناسی آمریکا در سال ۲۰۱۰ نشان داد که ظرفیت ذخائر هیدروکربنی و به‌ویژه گاز طبیعی در این حوضه رسوبی، بسیار فراتر از این است. این گزارش ذخائر نفت این حوضه را ۱,۷ میلیارد بشکه و ظرفیت ذخائر اکتشاف‌نشده گازی را ۳,۱ تریلیون مترمکعب و ظرفیت میعانات گازی (NGL) این حوضه را ۳,۱ میلیارد بشکه اعلام کرده است (Hasantash, 2016).



نقشه ۲: میادین نفت و گاز در حوضه لوانت



source: <https://images.search.yahoo.com/search/images>

میدان‌های گازی تامار و لویاتان از بزرگ‌ترین منابع انرژی گاز در این منطقه است که متعلق به اسرائیل هستند. «با آغاز به تولید میدان تامار از نیمه سال ۲۰۱۳، آرامش خاطر اسرائیلی‌ها بیشتر شده است به‌ویژه که تولید میدان مورد بهره‌برداری قبلی (ماری-ب) رو به کاهش گذاشته بود. اطلاعی در دست نیست که میدان تامار، کی به اوج تولید خود برسد اما مسلم است که با فرارسیدن این اوج تولید و نیز با تولید گاز از میدان کوچک‌تر دالیت، اسرائیل از واردات گاز طبیعی بی‌نیاز شده و بخش بیشتری از سوخت زغال سنگ نیروگاه‌ها را نیز با گاز طبیعی جایگزین خواهد کرد. این دو عامل چندین میلیارد دلار در سال هزینه واردات انرژی اسرائیل را کاهش خواهد داد. همچنین موجب کاهش حجم قابل توجه انتشار آلاینده‌های کربن خواهد شد. بنابر برنامه اسرائیل سهم گاز در تولید برق این کشور به ۶۰ درصد خواهد

۱- . Mari-B



رسید. اسرائیلی‌ها کشف میدان بزرگ لویاتان در سال ۲۰۱۰ را موهبتی الهی تلقی کردند. با توجه به تأمین کامل گاز مورد نیاز داخلی از این میدان‌ها، میدان لویاتان برای صادرات گاز در نظر گرفته شده است. در ضمن دولت اسرائیل برنامه‌هایی را برای مایع‌سازی گاز طبیعی (تولید LNG)، برای مواجهه با اوج و فرود مصرف گاز در برنامه دارد. اگر اسرائیل موفق به صادرات ۶،۷ میلیارد مترمکعب گاز به اروپا شود؛ ممکن است این عدد در مقایسه با ۱۳۰ میلیارد مترمکعب گازی که اروپا از روسیه وارد می‌کند عدد چشمگیری نباشد، اما در مقایسه با اعداد واردات گاز اروپا از مدیترانه غربی، به نسبت درخور توجه است» (نقشه ۲ را ببینید) (Hasantash, 2016).

۵. رویکرد اقتصادی به تحولات ناشی از اقدامات داعش در خاورمیانه

قبل از ورود به بحث، معرفی مختصر داعش برای تبیین تحولات اقتصادی موضوع مقاله، لازم به نظر می‌رسد. گروه تروریستی داعش سه مشخصه دارد: گروه تروریستی فراملیتی، دولتی بدوی و ایدئولوژی سیاسی با ریشه‌های دینی. هدف اصلی این گروه تروریستی، تشکیل کشوری اسلامی با تفکر سلفی در سوریه و عراق بوده است. اهداف راهبردی داعش عبارت‌اند از: ۱. تشکیل خلافت اسلامی با اولویت شامات و گسترش جغرافیایی سرزمین‌های خلفای عباسی؛ ۲. از میان‌بردن مذهب تشیع (Sanai and Kaviyanpour, 2016: 150-151). این دیدگاه ایدئولوژیک که داعش مدعی آن است با فلسفه دین اسلام متفاوت است. زیرا هر چند، «این روزها، جوامع اسلامی خاورمیانه به نسبت محافظه‌کارند و در جبهه مقدم فناوری نیستند. اما اسلام در سده‌های میانه در همین منطقه، از نظر فناوری، پیشرفته و پذیرای نوآوری بود. میزان باسوادی در سرزمین‌های اسلامی بسیار بیشتر از اروپای آن دوره بود. اسلام میراث تمدن کلاسیک یونانی را تا چنان درجه‌ای جذب کرد



که امروز بسیاری از کتاب‌های کلاسیک یونانی را با نسخه‌های عربی آن می‌شناسیم؛ آسیای بادی و آبی، مثلثات و بادبان سه‌گوش را مسلمانان اختراع یا تکمیل کردند؛ در فلزکاری، مهندسی مکانیک، شیمی و روش‌های آبیاری، پیشرفت‌های عمده‌ای به وجود آوردند. کاغذ و باروت را از چین گرفتند و به اروپا انتقال دادند. در سده‌های میانه، برای جریان فناوری به صورت چشمگیری از کشورهای اسلامی به کشورهای اروپایی بود نه از کشورهای اروپایی به کشورهای اسلامی، چنانکه امروزه شاهدیم. در حدود سال ۱۵۰۰ است که سمت و سوی این جریان معکوس می‌شود» (Diamond, 2017: 323).

پیدایش داعش به موازات تحول در ساختارهای امنیت بین‌المللی و منطقه‌ای و افزایش دخالت قدرت‌های خارجی و قراردادن منطقه در چرخه بسته ناامنی و تهدید، فرایندهای موجود را نیز دستخوش تحول کرد که نماد آن در افزایش تنش بین ایران و عربستان سعودی دیده می‌شود (Khalili and Chehri, 2017: 42). داعش نسخه ناخوشایند خود از یک خلافت منطقه‌ای را در سرزمین‌های اشغالی تحمیل کرد و در پیشروی وصف‌ناپذیر خود، شهرهای بزرگی مانند موصل در عراق و رقه در سوریه که به تقریب یک سوم از کل تولید نفت سوریه از این شهر بوده را به اسارت گرفت. ضمن پذیرش ضررهای منطقه‌ای، اهداف، ترکیب و تاکتیک‌های خود را تغییر داد، زیرا هدف از آن، حفظ آرمان‌های طولانی مدت بود. این پیشروی با هدف دستیابی به اهداف با استفاده از شبکه‌های هوادار ایدئولوژیک، تجارت در بازار سیاه و زمین قابل دفاع بود که هسته اصلی یک «دولت اسلامی» را تشکیل می‌دهد (Jasper and Moreland, 2016). بیش از ۲۵ هزار پیکارجو از ۱۰۰ کشور دنیا، جزء جنگ‌جویان داعش بودند. ([https://123helpme.org/essays/islamic-state-\(of-iraq-and-syria/](https://123helpme.org/essays/islamic-state-(of-iraq-and-syria/)



ظهور داعش سبب ایجاد مشکلات اقتصادی در منطقه خاورمیانه شد. از دیدگاه برخی کارشناسان و صاحب نظران، نوع نگاه داعش به مقوله نفت به عنوان یک منبع مالی و اهرم اقتصادی، سبب افزایش درگیری با دیگر گروه‌های مسلح شده است که این خود زمینه‌های ناامنی اقتصادی را در منطقه افزایش داد. به طوری که اغلب، نفت را با ۵۰ درصد زیر قیمت بازار می‌فروخت که این تخفیف، آثار بسیاری برای کشورهای متکی به درآمد نفت در منطقه، به همراه داشت. به گونه‌ای که قاچاق نفت به وسیله داعش از راه کانال‌های خاص خود، سبب دامن زدن به ناامنی بیشتر در منطقه شد (Khalili and Chehri, 2017: 31). منابع زیادی از نفت را از مخازن انبار، خطوط لوله و ایستگاه‌های پمپاژ به سرقت می‌برد. به علاوه، تحرکات داعش و دیگر گروه‌های متخاصم در سوریه سبب کاهش تولید نفت این کشور از ۴۰۰ هزار بشکه قبل از شروع ناآرامی‌ها به ۳۰ تا ۴۰ هزار در روز رسید. چندین گزارش ادعا می‌کنند که داعش روزانه ۳ میلیون دلار از عملیات نفتی سوریه کسب می‌کرده است. هرچند برخی گزارش‌های دیگر، این رقم را چندصد هزار دلار در روز اعلام کرده‌اند. براساس نظر کریستوفر گارور^۱، سخنگوی عملیات تیدال ویو^۲، داعش پیشتر ماهانه حدود ۳۰ میلیون دلار از عملیات نفتی خود درآمد کسب می‌کرد، اما درآمدها در ابتدای سال ۲۰۱۶ به حدود ۱۵ میلیون دلار در ماه کاهش داشته است. براساس گزارش‌ها، در ۲۷ ژوئیه ۲۰۱۶، آمریکا به همراه شرکای ائتلافی خودش، ۱۴ هزار حمله هوایی علیه عملیات نفتی داعش انجام داد (Daiss, 2016). به علاوه، این گروه تروریستی توانست میداین نفتی را در عراق نیز تصرف کند و کنترل

۱- Christopher Garver

۲- Tidal Wave



صادرات نفت را در بخش‌هایی از این کشور در اختیار بگیرد؛ حتی برخی از کشورها مانند عربستان سعودی در قالب شورای همکاری خلیج فارس، نیز برای توازن‌سازی حوضه ژئواکونومیک، علیه ایران، بعد از بروز تهدید داعش، تلاش کردند به وسیله کاهش بهای نفت بر گفت‌وگوهای ایران و گروه ۵+۱ تحرکات و اثراتی را ایجاد کند (Abolhasan-Shirazi and Nikou, 2014: 148). این برای تضعیف وضعیت اقتصادی ایران بوده است، زیرا با توجه به حضور نیروهای نظامی ایران در عراق و سوریه برای کمک به این کشورها، کاهش بهای نفت با وجود تحریم‌های نفتی، سبب کاهش درآمد فروش نفت ایران شده است.

داعش در اوج قدرت خود در سال ۲۰۱۴، بیش از ۲ میلیارد دلار از چاه‌های نفتی توقیف‌شده، بانک‌های غارت‌شده و اخاذی از جمعیت در کنترل خود جمع کرد. به صورت نگران‌کننده‌ای قادر به گرفتن مالیات از میلیون‌ها غیرنظامی بود که در داخل قلمرو تحت سیطره‌اش زندگی و کار می‌کردند. سیستم تعرفه پیشرفته آن‌ها همه چیز را از درآمد تا معاملات بانکی گرفته تا آموزش دانش‌آموزان مدرسه‌های برای حصول بیش از ۳۰۰ میلیون دلار در سال، مشمول مالیات قرار می‌داد. علاوه بر مالیات، داعش منابع اساسی را کنترل می‌کرد، از جمله مواد اصلی مواد غذایی مانند گندم و جو، معادن و کارخانه‌های سیمان و البته نفت که در مجموع بیش از ۵۰۰ میلیون دلار در سال در زمان اوج تولید در سال ۲۰۱۴ به حساب می‌آمد. عملیات منطقه‌ای داعش رونق گرفت، زیرا آن‌ها توانستند سودآوری کنند. همان‌طور که تیم دایس^۱ (۲۰۱۶) یکی از پژوهشگران نظامی یادآور شده، «ارزشمندترین دارایی و مرکز ثقل» داعش زمینی است که در عراق و سوریه در اختیار دارد (Jasper &

۱- Tim Daiss



(Moreland, 2016). (نقشه ۳ را ببینید).

ظهور داعش سبب شد که کشورهای منطقه خلیج فارس مانند قطر، عربستان، امارات متحده عربی، بحرین، عمان به خریدهای تسلیحاتی بیشتری نسبت به سال‌های قبل از ظهور داعش اقدام کنند. این کشورها «پس از ظهور داعش، بیشترین واردکنندگان سلاح‌های نظامی از کشورهای غربی بودند که این مسئله حاکی از امنیتی شدن فضای منطقه و گسترش فعالیت‌های خشونت‌بار و تروریستی در منطقه است. برای نمونه، در سال ۲۰۱۳ این موضوع جلب توجه کرد که عربستان سعودی در سال ۲۰۱۲ رتبه هفتم هزینه‌های تسلیحاتی و نظامی را در سطح جهان داشت، در این سال با افزایش ۱۴ درصدی هزینه‌های نظامی خود، رتبه خود را از هفتم به چهارم در سطح جهان ارتقا داد. این کشور در این سال، با اختصاص ۹،۳ درصد از تولید ناخالص داخلی خود به هزینه‌های نظامی و تسلیحاتی، در مجموع معادل ۶۷ میلیارد دلار صرف هزینه‌های نظامی و تجاری کرده است. در واقع از سال ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۳ هزینه‌های نظامی و تسلیحاتی عربستان سعودی معادل ۱۱۸ درصد رشد داشته است. در عمان، یکی دیگر از اعضای شورای همکاری خلیج فارس، هزینه‌های نظامی و تسلیحاتی نسبت به سال ۲۰۱۲ حدود ۲۷ درصد کاهش داشته است، اما با این حال هنوز هم نسبت به سال ۲۰۱۱ رشدی ۳۱ درصدی را نشان می‌دهد. این کشور با اختصاص ۱۱،۳ درصد از کل تولید ناخالص داخلی خود به هزینه‌های تسلیحاتی و نظامی، بیشترین درصد بودجه را به این امر اختصاص داده است و رتبه نخست را در جهان در این رابطه از آن خود کرده است» (Khosravi and Zarei, 2019: 108-124). در واقع به‌جای اینکه کشورهای منطقه و حتی خود عراق و سوریه به‌عنوان کشورهایی که به‌طور مستقیم با این منازعات، درگیر هستند، درآمدهای خود



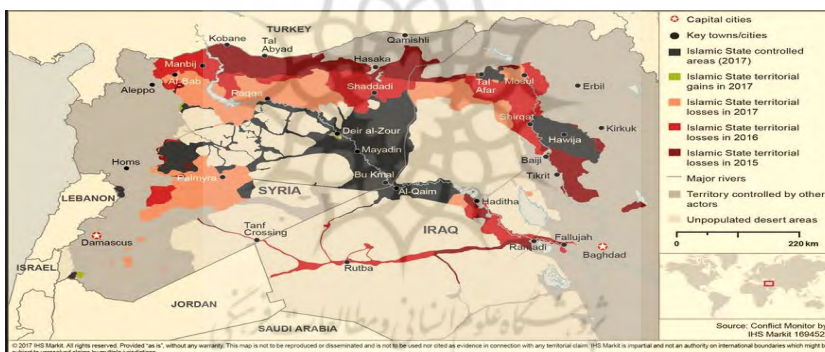
را صرف امور بهداشتی و آموزشی و به‌طور کلی توسعه کنند مجبور شدند که بخش زیادی از پول‌های درامدی را برای مقابله با مسائل امنیتی و جنگ با داعش خرج کنند. این همان چیزی است که دیگر بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای خواستار آن هستند. دلیل این مدعا اینکه، امارات متحده عربی تقریباً ۱۹ درصد از تسلیحات نظامی خود را از آمریکا می‌خرید. به علاوه در همین سال‌ها، قطر و بریتانیا به اشتراک در بخش‌های هوایی، مشارکت گسترده‌ای آغاز کرده‌اند. برای نمونه می‌توان از سرمایه‌گذاری مشترک این دو کشور در زمینه‌های دفاعی و هوایی مانند همکاری شرکت هواپیمایی رویال و امیر قطر نام برد (Khosravi and Zarei, 2019 : 125). گاهی دولت‌ها در مناسبات بین‌المللی، در راستای دستیابی به منافعشان یا جلوگیری از به خطر افتادن امنیت و ثبات کشورشان، اقدام به محدود کردن اثرپذیری خود از گروه‌های تروریستی می‌کنند. داعش یکی از این گروه‌های تروریستی است که بحران آن، از پراهمیت‌ترین چالش‌ها در عرصه سیاست خارجی (Sanaii and Kaviyanpour, 2016 : 145-148) کشورهای منطقه و دیگر کشورهایی که به‌نوعی منافعشان در خاورمیانه در خطر بوده است.

در دسامبر ۲۰۱۸ وزارت دفاع آمریکا گزارش سه ماهه‌ای را منتشر کرد که در آن به جزئیاتی از هزینه وزارت دفاع برای عملیات‌های احتمالی خارج از آمریکا در کشورهای عراق، سوریه و افغانستان تا ۳۰ سپتامبر ۲۰۱۸ اشاره شده است. براساس این گزارش، وزارت دفاع برای حمایت از عملیات‌های احتمالی از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، ۱٫۵ تریلیون دلار هزینه کرده است. کل هزینه عملیات در عراق در آن زمان (از جمله عملیات در سوریه) ۷۵۹٫۴ میلیارد دلار بود که از این میزان از زمان شروع این عملیات در سال ۲۰۱۴، ۲۸٫۵ میلیارد دلار در حمایت از برطرف کردن عملیات اصلی تعهد شده است. براساس



همین گزارش، وزارت دفاع آمریکا در سال مالی ۲۰۱۸، ۸.۳ میلیارد دلار برای برطرف کردن عملیات اصلی تعهد کرده است. این میزان، ۱۰۰ میلیون دلار کمتر از بودجه سال ۲۰۱۷ بوده است که برای این عملیات متعهد شده بود. متوسط هزینه ماهانه در همه عملیات‌های احتمالی خارج از آمریکا در سال مالی ۲۰۱۸، ۳.۷ میلیارد دلار گزارش شده است که ۷۰۰ میلیون دلار آن برای حمایت از برطرف کردن عملیات اصلی بوده است. بر اساس همین گزارش، این تعهدات همه هزینه‌های مربوط به درگیری‌ها را شامل می‌شود، از جمله هزینه‌های عملیاتی مربوط به جنگ، پشتیبانی از نیروهای مستقر و حمل و نقل کارکنان و تجهیزات (Fine and et.al, 2018 : 44).

نقشه ۳: کاهش وسعت سرزمینی دولت اسلامی بین ژانویه ۲۰۱۶ تا ۲۶ ژوئن ۲۰۱۷



در صندوق آموزش و تجهیز و مبارزه با ضد داعش^۱ بودجه مورد استفاده وزارت دفاع برای آموزش، کمک و تجهیزات به نیروهای امنیتی عراق، پیشمرگه‌های کرد و جنگ‌جویان مخالف سوری علیه داعش فراهم شده است. از آنجا که این برنامه تخصیص اولیه خود را در سال مالی ۲۰۱۵ دریافت کرده است (در اصل به‌عنوان دو صندوق جداگانه برای عراق و

۱- Counter-ISIS Train and Equip Fund (CTEF)



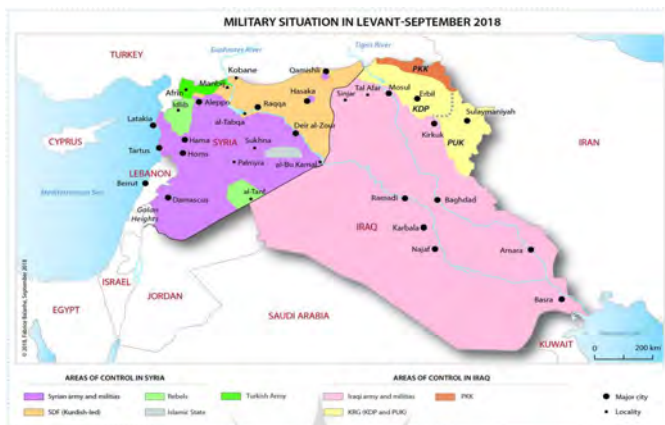
سوریه)، وزارت دفاع به وسیله این صندوق تقریباً ۴،۱ میلیارد دلار هزینه کرده است. از این سه ماه، وزارت دفاع ایالات متحده ۵۱۰،۶ میلیون دلار از ۹۰۵،۷ دلار خود را تعهد کرده است که ۲ سال صندوق آموزش و تجهیز و مبارزه با ضد داعش را برای سوریه تخصیص بدهد که شامل بودجه سال مالی ۲۰۱۷ و ۲۰۱۸ بوده است. بیشترین بخش از این بودجه، صرف خرید اسلحه، مهمات و تجهیزات (۳۸۷،۳ میلیون دلار) شد. هزینه‌های دیگر شامل پشتیبانی از جنگ‌جویان سوری و حمل و نقل و نمایش اسلحه و تجهیزات بوده است. در سال مالی ۲۰۱۹، تخصیص وزارت دفاع برای صندوق آموزش و تجهیز و مبارزه با ضد داعش، از جمله بودجه سال مالی ۲۰۱۹ و سال مالی ۲۰۱۸، ۲،۸ میلیارد دلار بود که از این مبلغ ۱،۹ میلیارد دلار برای عراق، ۶۳۰ میلیون دلار برای سوریه و ۲۵۰ میلیون دلار برای امنیت مرزی تعیین شده است (Fine and et al, 2018 : 54). با توجه به این آمار متوجه می‌شویم آنچه آمریکا در جلوه‌های منافع خودش در خاورمیانه دنبال می‌کند یعنی گسترش بازار آزاد، حفظ امنیت متحدانش عزمی راسخ دارد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی



نقشه ۴: وضعیت جنگی در حوضه لوانت و مناطق تحت کنترل در سوریه و عراق -

سپتامبر ۲۰۱۸



source: <https://images.search.yahoo.com/search/images>

با مقایسه یک جنگ مانند جنگ آمریکا با عراق در سال ۲۰۰۳ و سرنگونی یک ارتش سازمان یافته در عراق که ظرف مدت ۳ ماه اتفاق می افتد، جای تأمل دارد چگونه یک گروه تروریستی همچون داعش برای مدت بیش از ۴ سال با توجه به اینکه اقداماتشان در سطح بین الملل مغبون و مورد نکوهش (در گفتارهای دولتمردان) بوده است، می تواند خسارت های زیادی را به بار بیاورد و اقدامات مشترکی از سوی دولت ها در مدت کمتر از آنچه که بعدها برای سرنگونی داعش صورت گرفت، انجام نشود. در پاسخ به این تأمل باید به نقش پراهمیتی که بازیگران بین المللی در ظهور و تداوم حضور گروه های تروریستی مانند داعش در غرب آسیا بازی کرده اند اشاره داشت. داعش بر این رقابت های بلوغ نیافته راهبردی بین قدرت های منطقه ای و فرامنطقه ای است. مثل هر مکان دیگری در دنیا که اهداف حکومت ها، در منطقه خودشان تأمین منافع ملی است؛ در منطقه غرب آسیا، رقابت های



ایدئولوژیک و جنگ قدرت، به همراه پول هنگفت حاصل از نفت، سطح مطالبات و درخواست‌های دولت‌های منطقه را افزایش داده و دست آن‌ها را برای صرف هزینه‌های سنگین برای رسیدن به خواسته‌های بعضاً جاه‌طلبانه باز گذاشته است. چه در زمان قبل از سرنگونی داعش و چه در حال حاضر که امکان ظهور گروه تروریستی دیگری یا حتی ظهور دوباره داعش وجود دارد؛ اراده راسخ منطقه‌ای در میان حکومت‌های منطقه برای به‌کارگیری راهبردی مشترک دیده نمی‌شود. چرا که تروریسم، در حال حاضر بر مبنای منافع هر کشور تعریف می‌شود. این تفاوت، بر اساس منافع متنوعی است که بازیگران در آسیای غربی برای خودشان در نظر می‌گیرند. هر بازیگر تلاش می‌کند تا سیاست خارجی خود را بر مبنای برداشتی منفعت‌محورانه از تروریسم ارائه دهد و این روند آزاد، اقدام مناسبی را برای شکل‌گیری تروریسم در منطقه غرب آسیا و احیای دوباره گروه‌های تروریستی همچون داعش به وجود می‌آورد (Basiri and et al., 2016: 68).

۶. وضعیت اقتصاد انرژی اسرائیل و داعش

در حال حاضر حدود ۹۹ درصد انرژی مورد نیاز اسرائیل از سوخت‌های فسیلی تأمین می‌شود. در سال ۲۰۱۵ ترکیب این سوخت‌ها ۴۳ درصد نفت، ۳۰ درصد گاز طبیعی و ۲۶ درصد زغال سنگ بوده است. این کشور تا سال ۲۰۰۵ همه سوخت‌های مورد نیاز خود را وارد می‌کرد. در واقع از نظر انرژی حدود ۱۰۰ درصد به واردات وابسته بود؛ اما از سال ۲۰۰۵ با کشف ذخائر گازی، تولید داخلی این کشور افزایش یافت و در سال ۲۰۱۵ حدود یک‌سوم از انرژی مورد نیاز این کشور از داخل تأمین و دوسوم وارد شده است. در ده سال اخیر، اسرائیل گاز تولیدی داخلی را عمدتاً جایگزین زغال سنگ کرده است که آلاینده‌گی زیادی دارد و طی این دوره ۱۵ درصد از مصرف زغال‌سنگ



این کشور کاهش یافته است. اسرائیل از سال ۲۰۰۸ از راه خط لوله دریایی، موسوم به آریش- اشکلون به طول حدود صد کیلومتر، نیمی از گاز مورد نیاز خود را از کشور مصر وارد می‌کند. میزان گاز وارداتی از این خط لوله ۱،۷ میلیارد مترمکعب در سال است. در زمان حسنی مبارک قرار بوده است که این حجم با توسعه خط لوله به ۲،۱ میلیارد مترمکعب در سال برسد؛ اما با وقوع تحولات موسوم به بهار عربی و برکناری مبارک، خطر واردات گاز از مصر برای اسرائیل افزایش یافته است (Hasantash, 2016).

روابط اسرائیل با مصر در حوضه انرژی بعد از روی کار آمدن عبدالفتاح السیسی (رئیس‌جمهور)، مهم‌تر از پیش شده است. از آنجا که مشکلات اقتصادی مصر بعد از بهار عربی، شکل جدیدی به خود گرفت، السیسی برای برطرف کردن این مشکلات سه طرح و حوزه مهم را برای رفع مشکلات اقتصادی کشور مصر، در رأس برنامه‌ریزی دولت قرار داد. در هر سه طرح، نقش مهم اسرائیل بارز است. این طرح‌ها این‌ها هستند: ۱. تقویت هرچه بیشتر مناطق آزاد تجاری معروف به مناطق صنعتی استاندارد؛ ۲. بخش گردشگری، ۳. بخش انرژی. یکی از مهم‌ترین زمینه‌های همکاری اسرائیل و مصر حوضه انرژی است. اما آنچه اهمیت دارد جابه‌جایی مصر از صادرکننده گاز به واردکننده محض است که بر روابط قاهره و تل‌آویو تأثیر زیادی خواهد داشت. براساس پیش‌بینی‌ها، حتی با وجود شروع بهره‌برداری از میدان گازی فراساحل به‌عنوان بزرگ‌ترین ذخیره گازی کشف‌شده در مصر و دریای مدیترانه، مصر همچنان واردکننده گاز از اسرائیل خواهد بود. این در حالی است که اکتشاف بزرگ گازی اسرائیل سبب شده است این رژیم پس از آنکه سال‌ها بزرگ‌ترین واردکننده گاز مصر به حساب می‌آمد، در حال حاضر بزرگ‌ترین تأمین‌کننده بالقوه گاز قاهره باشد. البته به‌نظر می‌رسد



به همان اندازه که فروش گاز به اسرائیل حواشی سیاسی دارد، خرید گاز از آن نیز در مصر با چالش‌هایی همراه باشد. رسانه‌های مصری و روشنفکران مخالفت خود را با واردات گاز از اسرائیل نشان می‌دهند، اما نشانه‌هایی از تلاش مقامات مصری برای پیگیری پنهانی این هدف دیده می‌شود (Ahmadi, 2017: 115-119).

صادرات گاز اسرائیل با همسایگانش به مصر پایان نمی‌یابد و شامل کشور اردن نیز هست. کمیاب بودن منابع انرژی اردن به نقل از مقامات اردنی، از دلایل خرید گاز از اسرائیل، هزینه‌بر و غیرقابل اعتماد بودن طرف‌های دیگر بوده است که دولت این کشور را به خرید گاز از اسرائیل طی دو توافق‌نامه در سال‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۶ متقاعد کرده است. دو شرکت اردنی عرب پتاس و اردن برومین در سال ۲۰۱۴ قرارداد گازی با اسرائیل منعقد کردند که بر مبنای مفاد آن به مدت ۱۵ سال از میدان نفتی تمار اسرائیل گاز مورد نیاز اردن را به ارزش ۵۰۰ میلیون دلار خریداری می‌کنند. اسرائیل گاز این دو شرکت را از ژانویه ۲۰۱۶ تأمین می‌کند؛ در همین سال نیز قرارداد دیگری میان شرکت نیروی برق ملی اردن و شرکای میدان نفتی لویاتان اسرائیل با میانجیگری یک شرکت آمریکایی امضا شد که بر اساس آن اسرائیل از اواخر سال ۲۰۱۹ به بعد به مدت ۱۵ سال گاز این شرکت را تأمین خواهد کرد. بر اساس ارزیابی‌ها، درآمد ناخالص این قرارداد در حدود ۱۰ میلیارد دلار برآورد شده است (نقشه ۵ را ببینید). به علاوه اسرائیل در بعد منطقه‌ای با منطقه آسیای مرکزی و قفقاز با کشورهای آذربایجان و قزاقستان نیز در حوضه انرژی معاهدات و قراردادهایی دارد. به طوری که یکی از محسوس‌ترین بسترهای روابط اقتصادی اسرائیل با جمهوری آذربایجان، حوضه انرژی است. اسرائیل تقریباً ۴۰ درصد از نفت خود را از جمهوری آذربایجان می‌خرد و این کشور



را شریک قابل اعتمادی در حوضه انرژی می‌داند. اتصال خط لوله اشکلون به ایلات به خط لوله ترانس آدریاتیک موسوم به تاپ به‌عنوان خط لوله نهایی انتقال گاز حوضه خزر به اروپا، یکی دیگر از ظرفیت‌های همکاری این دو کشور در سال‌های آینده خواهد بود؛ موضوعی که نخست‌وزیر اسرائیل در دیدار خود از جمهوری آذربایجان در سال ۲۰۱۶ بر آن تأکید کرد. به علاوه اسرائیل از قزاقستان بیش از ۱۵ درصد از نفت مورد نیاز خود را نیز وارد می‌کند. همان‌طور که سفیر اسرائیل در آستانه، گفته است این رژیم سالانه بیش از ۱،۴ میلیارد دلار نفت از قزاقستان می‌خرد (Ahmadi, 2017: 120-123). آنچه که از دیدگاه ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک برای اسرائیل در حوضه انرژی با توجه به طرح انتقال گاز به اروپا، می‌تواند اتفاق بیفتد، مراودات اروپا با دیگر کشورهای دارای ذخایر انرژی مانند کشور روسیه است که متأثر از روندهای بین‌المللی و معاملات جهانی است؛ بنابراین دولت‌مردان اروپایی معتقدند استخراج گاز از این منطقه وابستگی‌شان را به گاز روسیه کمتر خواهد کرد (https://www.farsnews.ir/news/13960114001153)؛ ضمن اینکه هرگونه تنوع‌بخشی به بازار گاز اروپا، فشار روسیه بر اروپا را کاهش و قدرت مانور اروپا در مقابل روسیه و امنیت انرژی اروپا را افزایش می‌دهد و اروپایی‌ها همواره از تنوع‌بخشی استقبال کرده‌اند. امتیاز دیگر گاز کشورهای جنوب مدیترانه برای اروپا این است که زمان‌های فراز و فرود مصرف داخلی‌شان با اروپا متفاوت است و امکان قطع گاز صادراتی‌شان به اروپا در اوج مصرف اروپا که زمستان است، کمتر است (Hasantash, 2016). گفتنی است با توجه به کشف میادین گازی مشترک میان کشورهای اسرائیل و قبرس، قرار است که خط لوله انتقال گاز از بستر دریای مدیترانه به یونان و ایتالیا و از آنجا به دیگر کشورهای اروپایی منتقل شود. به نقل از دیلی‌استار، کشورهای



ایتالیا، یونان، رژیم صهیونیستی و قبرس متعهد شدند با همکاری اتحادیه اروپا طولانی‌ترین خط لوله انتقال گاز جهان از زیر دریا را از شرق مدیترانه به جنوب اروپا بسازند. بر اساس این گزارش در صورتی که همه چیز بنابر نقشه پیش برود، این خط لوله ۶،۲ میلیارد دلاری، گاز را از میدان‌های کشف‌شده به اروپا منتقل خواهد کرد. زیرساخت‌های ساخت این خط لوله، احتمالاً تا سال ۲۰۲۵ ادامه خواهد داشت (<https://www.farsnews.ir/news/13960114001153>).

نقشه ۵: زیرساخت انرژی در مدیترانه شرقی (لوانت)



<https://images.search.yahoo.com/search/imagessource:>

۷. نتیجه

با توجه به اینکه انرژی نقش تعیین‌کننده‌ای در معادلات جهانی دارد و قدرت‌های فرامنطقه‌ای در خاورمیانه به دنبال ایفای نقش تعیین‌کنندگی در این منطقه هستند، بنابراین ابزار انرژی می‌تواند ابزار مهمی برای آنها باشد.



آن‌ها در این مسیر به دنبال استفاده از ظرفیت‌های منازعه نیز هستند. نیاز کشورهای فرامنطقه‌ای به انرژی خاورمیانه سبب شد تا با حمایت از داعش زمینه‌های تضعیف کشورهای صاحب انرژی از جمله عراق و سوریه را فراهم کنند و شرایط تسلط بر انرژی این کشورها را رقم بزنند. داعش و رویکرد خشن مذهبی آن بهترین شرایط را برای تثبیت اهداف کشورهای فرامنطقه‌ای فراهم ساخت، به‌ویژه کشورهای که اقتصاد آن‌ها بر پایه‌های یک اقتصاد نظامی قرار دارد. منازعه در خاورمیانه حامل سه پیامد مهم برای اقتصاد آمریکا و متحدانش همچون اسرائیل بود: اول فروش تسلیحات آمریکایی تضمین می‌شد و چرخ‌های اقتصاد نظامی آمریکا به گردش در می‌آمد؛ دوم امنیت اسرائیل تضمین می‌شد؛ سوم شرایط انرژی ارزان در سایه تنازع بقا واحدهای سیاسی نصیب غرب می‌شد. اقتصاد کشورهای حوضه لوانت به‌عنوان قلب خاورمیانه به‌شدت متأثر از این پدیده امنیتی شد. در این میان سوریه به‌عنوان قلب جبهه مقاومت و مهم‌ترین دشمن اسرائیل در منطقه که بستر اصلی بحران بود به‌شدت از نظر شاخص‌های اقتصادی تضعیف شد. سوریه که بخش زیادی از ثروت خود را از راه گردشگری مذهبی و اکوتوریسم به دست می‌آورد این منبع ثروت خود را در سایه ناامنی و جنگ از دست داد. بخش عظیمی از نیروهای ماهر و فعال کار از این کشور مهاجرت کردند. بخش نفتی سوریه که مهم‌ترین بخش اقتصادی سوریه بود به محل رقابت آمریکا، کردهای سوریه، ترکیه و دیگر گروه‌های معارض تبدیل شد.

به علاوه، سرمایه‌گذاری در آب‌های منطقه‌ای سوریه و منابع گازی کشف شده در این منطقه متوقف شد و تجدید ساختارهای زیربنایی بخش نفت و گاز سوریه از دستور کار خارج شد. نزدیک به نیم میلیون نفر از مردم سوریه کشته شدند؛ بیش از یک میلیون نفر از مردم این کشور به‌عنوان پناهنده



از سوریه خارج شدند که در میان آن‌ها حجم وسیعی از نخبگان و نیروی ماهر کار بودند. بورس این کشور سقوط کرد و اقتصاد سوریه در مسیر نابودی قرار گرفت. در مقابل وقتی کشورهای اسلامی از جمله عراق و سوریه به‌عنوان معارضان اصلی صهیونیسم در منطقه، درگیر جنگ داخلی شدند و ایران نیز به‌عنوان رهبر جبهه مقاومت، مجبور شد نیروهای مستشاری خود را در گستره وسیع‌تری از خاورمیانه وارد کند و قدرت و ظرفیت خود را پراکنده سازد و هم‌زمان در سوریه، عراق و یمن وارد شود؛ بنابراین اسرائیل با حاشیه امنیت بیشتری مواجه شد. علاوه بر این اسرائیل برعکس سایر کشورهای حوضه لوانت نه با معضل مهمی به نام ورود پناهندگان سوری مواجه بود و نه با ناامنی شبیه آنچه در سوریه موجود بود روبه‌رو شد. نکته دیگر اینکه همه قدرت‌های منطقه‌ای درگیر با داعش بودند یا مانند عربستان و ترکیه از آن حمایت می‌کردند یا مانند ایران، عراق و سوریه با آن مقابله می‌کردند. بنابراین به‌نظر می‌رسد این بهترین فرصت برای اسرائیل بود تا بتواند شاخص‌های اقتصادی خود را با کسب درآمد و فروش منابع انرژی تقویت کند. این کسب درآمد و فروش منابع انرژی با رویکرد به نظریه چانه‌زنی در نظریه بازی‌ها، تحلیل شد و دیدیم که منافع متحدان در بعد منطقه‌ای سبب شد تا اسرائیل بتواند در بخش انرژی، وضعیت اقتصادی خود را بهتر از گذشته سامان دهد. با نگاهی به مبادلات انرژی از سوی اسرائیل در سال‌های ظهور داعش، می‌بینیم که چالش‌هایی از سوی این گروه تروریستی برای اقتصاد انرژی اسرائیل ایجاد نشده است.



References

1. Ahmadi, Vahideh (2017). Israel and Surrounding Countries; Security Penetration with Economic Coverage, Quarterly Journal of Strategic Studies, Year 20, Issue 2. **[In Persian]**
2. Basiri, Mohammadali; Aghamohammadi, Zahra; Falahi, Ehsan (2016). The contexts for the Formation and Continuation of Terrorism in West Asia; A Case Study of ISIS in Iraq and Syria, Quarterly Journal of Political Studies of the Islamic World, Fifth Year, Issue 19. **[In Persian]**
3. Chepkemoi, J. (2018). Where is the Levant?, <https://www.worldatlas.com/articles/where-is-the-levant.html>.
4. Daiss, Tim (2016). Why Islamic State's (ISIS) Oil Revenue Is Plunging, <https://www.forbes.com/sites/timdaiss/2016/08/26/why-islamic-states-oil-revenue-is-plunging/#1fbb5f8127b9>.
5. Diamond, Jared (2017). Guns, Germs, And Steel The Fates of Human Societies, Translated by Hasan Mortazavi, Tehran, Baztabnegar Publications, Third Edition. **[In Persian]**
6. Fine, Glenn A.; Linick, Steve A.; Barr, Ann Calvaresi (2018). Operation Inherent Resolve And Other Overseas Contingency Operations Lead Inspector, General Report To The United States Congress; October 1,2018–December31,2018, https://media.defense.gov/2019/Feb/04/2002085693/-1/1/1/FY2019_LIG_Oirreport.PDF.
7. Friedman, George (2013). The Next 100 Years, Translated by Abolhasan Tahami, Tehran, Farzan Publications, Third Edition. **[In Persian]**
8. Haji-Yosefi, Amirmohammad; Nikpour, Shima (2019). The Impact of



- Neoliberal Economic Policies on the Orientation of Egypt's Foreign Policy Towards Israel, *Two-Quarterly of International Political Economy Studies*, Vol. 2, No. 2. **[In Persian]**
9. Haji-Yosefi, Amirmohammad; Zakeri, Mahdokht (2019). The Process of Maximizing the Identification and Emergence of ISIS in Iraq Remains Sterile, *World Politics Quarterly*, Vol. 8, No. 2. **[In Persian]**
10. Hasantash, Gholamhosein (2016). Status and Importance of Israel's gas position; Website of the International Center for Peace Studies (IPSC), <https://www.amazon.com/Theory-Political-Scientists-James-Morrow/dp/0691034303>, 1994. **[In Persian]**
11. Islamic State of Iraq and Syria, <https://123helpme.org/essays/islamic-state-of-iraq-and-syria/>.
12. Jasper, Scott; Moreland, Scott (2016). ISIS: An Adaptive Hybrid Threat in Transition, https://smallwarsjournal.com/jrnl/art/isis-an-adaptive-hybrid-threat-in-transition#_edn45.
13. Khalili, Reza; Chehri, Hadi (2017). The Impact of the Formation of ISIS on the Security System of West Asia, *Research Security Quarterly*, Year 16, Issue 59. **[In Persian]**
14. Khosravi, Abdolsamad; Zarei, Ghafar (2019). ISIL's position in securing the foreign policy of the Islamic Republic of Iran and the Members of the Persian Gulf Cooperation Council in the Middle East, *Islamic World Political Research Quarterly*, Year 9, Issue 2. **[In Persian]**
15. Kuhn, Maximilian (2017). Enabling the Iranian Gaz Export Option : The Destiny of Iranian Relations in a Tripolar Struggle over Energy Security and Geopolitics, Translated by Ali Amiri, Lorestan University, First Edition. **[In Persian]**
16. Nelson, Michael (2017). Game Theory/Formal Models, <https://political>



scienceguide.com/research/methods-and-analysis/game-theory-and-modelling/.

17. Omidi, Ali; Ghalamkari, Armin (2019). Analysis of the Relationship between Developmentalist Foreign Policy and Turkish Economic Development (2017-2002), Two-Quarterly of International Political Economy Studies, Vol. 2, No. 1. **[In Persian]**
18. Sanaii, Ardeshir; Kaviyanpour, Mona (2016). The rise of ISIS and its impact on the foreign policy of the Islamic Republic of Iran, Quarterly Journal of International Relations Studies, Year 9, Issue 34. **[In Persian]**
19. Shirazi, Abolhasan; Habibolah and Nikou, Hamid. (2014). Security Bottleneck; Behavior of the Persian Gulf Cooperation Council in Relation to Iran's Nuclear Program, Quarterly Journal of International Relations Research, Vol. 1, No. 14. **[In Persian]**
20. The dream of the Zionist regime to build the longest gas pipeline under the sea and the main challenge of the experts (2017). <https://www.farsnews.ir/news/13960114001153>. **[In Persian]**

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی